



مشاور حقوقی

■ فریامیزبایی | مدرس دانشگاه و مشاور حقوقی

■ **اگر مردی استطاعت مالی برای پرداخت مهریه همسر خود را نداشته باشد، اما برای همسرش مقداری طلا خریده باشد، آیا این خانم می‌تواند طلاها را برای برخی بخشی از مهریه خود بردارد؟**
بله، البته تا زمانی که همسر طلاها را مطالبه نکرده باشد. خانم می‌تواند آنها را پیش خود نگه دارد و هرگاه مطالبه کرد، خانم می‌توانسد یا مطرح کردن دعوی متقابل مهریه، این میزان طلا را برای بخشی از مهریه خود توقیف کند.

زن و مردی که ازدواجشان دائم بوده، اما ثبت نشده باشند، در صورت تمایل به جدایی چه اقدام قانونی باید انجام دهند؟

اگر این زن و شوهر که ازدواجشان دائمی بوده، قصد جدا شدن از همدیگر را داشته باشند، می‌توانند دادخواست به دادگاه تقدیم کرده و پس از صدور رای، دادخواست طلاق توافقی ارائه کرده و از هم جدا شوند و چنانچه با هم اختلافی در خصوص مثلا زوجیت، مدت آن و… نداشته باشند، می‌توانند دادخواست طلاق توافقی به دادگاه خانواده ارائه کرده و با توافق دوجانبه از هم جدا شوند.

■ **قطعه زمینی در حوالی تهران فروخته شده که بعد از فروش خریدار برای گرفتن پروانه ساخت به شهرداری مراجعه می‌کند که بعد از طی مراحل اداری مشخص می‌شود زمین حریم دکل‌های برق فشار قوی است. این فرد که به گونه‌ای متضرر شده است، چه اقدام قانونی می‌تواند انجام دهد؟**

این فرد با تقدیم دادخواست به دادگاه صالح برای مطالبه قیمت زمین علیه فروشنده زمین باید اقامه دعوا کند تا بدین وسیله بتواند خسارات وارد شده را مطالبه کند.

خط مجازات

اعدام ۵ سوداگر مرگ در زندان اراک
۵ قاچاقچی موادمخدر در زندان استان مرکزی اراک به دار آویخته شدند.

باندهایی که در تولید و توزیع ماده مخدر هروئین فعالیت داشتند شناسایی و چند نفر از عوامل اصلی این باندها نیز دستگیر شدند.

علیه سوداگران مرگ بوده است، پنج نفر از این سوداگران با اجرای حکم دادگاه انقلاب اسلامی اراک اعدام شدند.

در کشور طرح‌های مبارزه با موادمخدر اجرا می‌شود و علیه قاچاقچیان موادمخدر نیز اقداماتی انجام می‌شود ولی متأسفانه هنوز کسانی هستند که به کار خود سرگرم هستند و به فعالیت خود درباره درست کردن موادمخدر و پخش آن بین جوانان و نوجوانان ادامه می‌دهند.

یکی از کسانی که در زندان مرکزی اراک به جرم حمل و نگهداری ۱۰کیلوگرم هروئین به دار آویخته شد به نام «محمد» و دیگری با نام «محمدرضی» بود که با خود سه کیلو و یک گرم هروئین داشته است. «اود» به جرم نگهداری سه کیلو و ۳۰۰ گرم هروئین و دو گرم هروئینی که فشرده شده بود و سوابق کیفری دیگر از اشخاص دیگری بود که در زندان اراک در کنار دیگر سوداگران مرگ اعدام شد.

آخرین کسی که در زندان اراک به دار آویخته و به سزای اعمال خود رسید «مصطفی» به جرم مشارکت در خرید و نگهداری چهار کیلو و ۳۰۰ گرم و ۲۰ سانتی گرم هروئین و در دادگاه کیفری نیز دارای سوابق کیفری بود به سبب رای صادر شده توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی اراک اعدام شد.

این پنج نفر پس از تأییدیه حکم دادستانی کل کشور و تنفیذ رئیس قوه قضائیه در محوطه زندان مرکزی اراک به دار مجازات آویخته شدند.

تعدادی از مقامات مسوول، اعتقادی به حذف مجازات قاچاقچیان موادمخدر ندارند، ولی کسانی هستند که اعتقاد دارند به جای اعدام و به دار آویختن سوداگران مرگ می‌توان مجازات دیگری جایگزین کرد که کارایی بیشتر و تاثیرگذاری داشته باشند.

خط آینه.....

ادامه از صفحه اول خط قرمز
۴۲۸---۹۲۳---سلام خط فاصله‌های‌ها. الان نزدیک یک ماه مادری رو از دست دادیم که هیچ‌وقت پادش و خاطراش از ذهنمون پاک نمی‌شه. حسرت یک خداحافظی رو به دلمون گذاشت. برای شادی روحش لطفا یک فاتحه بخونید.

۶۵۷۳---۹۱۵---خطاب به ۲۳۳۰ و ۶۴۸۵ خسته نباشید، خدا پشت و پناهنون که زحمت می‌کشید نگران نباشید خدا همه چیز رو درست می‌کنه. دعاگوئوسم. خطاب به ۲۲۴۱ الهی خدا جواب دل شکسته‌تون بده، نامه‌ید بنمایش. خطاب به۱۳۹۲، خسته نباشید، الهی خوشبخت بشی آبیی گلم. خدا پشت و پناهت. دعاگوتم. خطاب به۹۷۰۹. دنیا ارزش نغه خوردن نداره. شاد باشی. با آرزو بهترین‌ها. مریم. ا.

۶۰۴۴---۹۰۱---همسر عزیزم از اینکه ۱۳ سال با تمام مشکلاتم ساختی و با لینخد گرمت از کنارشان گذشتی ممنونم سالگرد ازدواجمون مبارک دوست دارم. مهدی از مشهد

۹۴۰۴---۹۱۵---سلام به خط دلدار. ۲۳ سالمه برم دعا کنین که یک پسر خوب بیاد خواستگاریم خوشبخت بشم خواهش می‌کنم. ز. از مشهد

۹۰۶---۹۱۵---سلام از همسر مهربان و فداکارم که با همه مشکلات من مدارا کرده ممنون خدایا عظمت و مهربانیت شکر می‌کنم.

۳۷۹۰---۹۰۶ --- رو به نوم دنیا نده... التماس دعا. اکرم

۳۲۷۱---۹۱۵--- سلام به خط فاصله‌ها دلم خیلی گرفته

همسرم چهار ماه خانه ترک کرده رفته نمی‌دونم چکار کنم خیلی تنهام هستی دلداریم بده از این وضع خسته شدم

خانمی ۲۳ ساله هستم و زندگی‌ام را دوست دارم، اما مدتی بود احساس می‌کردم زنی وارد زندگی‌ام شده است و به شوهرم پیامک‌های عاشقانه می‌دهد و ابراز علاقه می‌کند. متوجه شدم و این مساله را به همسرم گفتم شروع به گریه کردن کرد و گفت مرا دوست دارد و به او گفتم می‌خواهم طلاق بگیرم، اما او مانع از این کار شد و خواهش کرد این مساله را به خانواده‌اش نگویم و قول داد هیچ‌وقت این کار را تکرار نمی‌کند. با توجه به اینکه زندگی‌ام را دوست دارم، باید چطور رفتار کنم. لطفا راهنمایی‌ام کنید.

خط زندگی

۴۰۴۳---۰۹۳۶

هـر هفته صفحه‌ای پیش‌روی شما قرار خواهد داشت که در آن مشکلات مطرح شده‌ازسوی شما یا یک متخصص روانشناسی مطرح خواهد شد.سوال‌هاو پاسخ‌های مشاور قضایی را پیش رو خواهید داشت که راهگشای بهترین مسیر خواهد بود. نامه‌های خود را برای ما ارسال یا از طریق آدرس g.khateghermez@gmail.com مشکلات خود را برای ما بئیل کنید.

دزدی‌های وسواسی

غم‌انگیز بود. باورنکردنی و عجیب، ولی واقعیت داشت. چیزی که چند سالی می‌شد تمام ذهنش را به تکاپو درآورده بود حالا پیش چشمانش صف می‌کشید. برای چند لحظه چشم‌هایش را بست. کاش وقتی چشم باز می‌کرد، متوجه می‌شد تمام آنچه را که دیده، خواب بوده است.

چند بار چشم‌هایش را باز و بسته کرد. چند بار دست‌هایش را مشد کرد و به دیوار زد. خواب نبود. بیدار بود و همه‌چیز حقیقت داشت. دخترچه یادداشت‌قدیمی را برداشت. اولین‌بار بعد از عروسی‌شان متوجه شده بود همسرش از هتلی که برای ماه‌عسل به آن رفته بودند، یک چنگال برداشته است. با خودش فکر کرده بود شاید اشتباهی در میان وسایل‌شان جا مانده است. چند هفته بعد با هم به رستوران رفته بودند. زمانی که خواسته بود سونجیج را روی میز بگذارد، دستش به کیف همسرش خورد و آن را واژگون کرده بود. صدای شکسته شدن و پس از آن دیدن نمکدان چند تکه، ذهنش را به هم ریخته بود.

هر بار فکر کرده بود اشتباهی روی داده است تا اینکه در جشن سالگرد ازدواج‌شان با تکرار این کار از او سوال کرده بود:

- نازی‌جان! چرا قاشق و چنگال هتل در کیف و وسایل شماست؟

همسرش با دستپاچگی گفته بود:

نمی‌دانم. حواس‌پرت شده‌ام. انگار چشم‌هایم جایی را نمی‌بیند. فکر می‌کنم باید به خواب و استراحت خودم بیشتر توجه کنم.

از آن به بعد سعی کرده بود به همسرش بیشتر توجه کند. دیگر حرفی برای زدن نداشت، چون هرگز دیگر متوجه این مساله نشده بود. در تمام این سال‌ها پس از ۱۶ سال زندگی مشترک این مساله را از یاد برده بود. همسرش زن خوبی بود. اگر چه زیاد حال و

حوصله امور زندگی را نداشت و بیشتر برای خوردن غذا به رستوران می‌رفتند، ولی همسری آرام و خوب بود. از نظر مالی مشکلی نداشت، برای همین زندگی‌شان به شادی می‌گذشت. سفرهای گاه و بیگاه با هم یا سورپرایز برای نازی و تنها فرزندشان به آنها انرژی و شادی خاصی می‌بخشید. مرد از جا بلند شد. به طرف یخچال رفت و یک لیوان آب سرد نوشید. احساس می‌کرد تمام دهان و حنجره‌اش از شدت خشکی می‌سوزد.

روی تخت دراز کشید و به فکر فرورفت. با دیدن اتفاقی آن کمد که همسرش هیچ‌وقت اجازه ندهاده بود کسی در آن را باز کند، در یک شوک بزرگ فرورفته بود.

همسرش موقع رفتن به سفر آنقدر عجله کرده بود که کلید را روی کمد جا گذاشته بود. لحظه‌ای که در کمد را باز کرده بود، باورش نمی‌شد با دیدن آنچه درون کمد است تا چه اندازه شوکه می‌شود.

همیشه تصورش این بود که درون این کمد وسایل شخصی یا هدیه‌ای است که او از اول زندگی به همسرش داده بود، ولی اینطور نبود. مرد با دیدن نمکدان، قاشق، چنگال، کاره، دستمال، گیره و… که روی آن نام مکان‌های مختلف و هتل‌های جور واجوری که در طول ۱۶ سال همسرش به آنها سفر کرده بود، حالا متوجه شده بود چرا همسرش این گنجینه را از همه مخفی می‌کند و تا این اندازه نسبت به آن حساس است.

کمی که وسایل را زیر و رو کرده بود، متوجه شده بود همسرش به صورت پنهان از فروشگاه‌های مختلفی که برای خرید می‌رفته‌اند، چقدر وسایل مختلف سرقت کرده است.

از اینکه در این همه سال متوجه نشده بود در کنار یک زن دزد زندگی می‌کند، از خودش بیزار بود. تمام ۴ روزی که زنش در سفر بود، برای او لحظه‌ها سخت، دیر و عذاب‌آور می‌گذشتند.

نازی مثل همیشه شاد از سفر برگشته بود. خیلی دلش

دکتر کاظم قجاوند، جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه

وجود روابط خارج از خانواده ضربه سنگینی را از نظر روانی و جسمانی به فرد وارد می‌کند، اما عموماً این موضوع نباید در وهله اول منجر به فروپاشی و جدایی زندگی و خانواده شود اگر همسرتان چند نکته را بیشتر رعایت و بیشتر به نکات مثبت فکر کند. اینکه همسرتان به این موضوع اشاره کرده است و انکار نمی‌کند، خود برگ برنده‌ای است که می‌تواند یک زندگی را از نابودی نجات دهد و همسرتان معلوم است که حاضر به جبران است. این علامت خوب نشان می‌دهد می‌تواند این فرد به زندگی ادامه دهد و اگر علائمی ذکر می‌شود، باید این مسائل را در همسرتان ردیابی کنید، اما یکی از

پنج‌ره مشاور؛ موضوع هفته: بررسی رفتارهای یک زن که ناخواسته اسیر تنش‌های درونی می‌شود



می‌خواست بداند دستاورد پنهانی او از این سفر چیست. دوست داشت با گوشدن چمدان‌های همسرش چیزی پیدا نکند و همه این‌ها را یک کابوس بداند؛ کابوسی که باید آن را از یاد می‌برد.

نازی مشغول صحبت با مادرش بود که آرام سراغ چمدان‌های او رفت. به عمرش از این‌ کارها و رفتارها نکرده بود. دست‌هایش می‌لرزید و دهانش خشک شده بود.

برای یک لحظه از خودش به خاطر انجام این کار متنفر شد، ولی چاره‌ای نداشت باید به حقیقت پی می‌برد. درون چمدان با دیدن یک جفت قاشق، چنگال و چند ظرف مخصوص هتل شوکه شد. انگار برای زنش فرقی نمی‌کرد چه چیزی برمی‌دارد.

به یاد تمام وسایل مارک و جور واجوری افتاد که در تمام این سال‌ها خریده بود. در زندگی‌شان چیزی کم و کسر نداشتند. اصلاً کمبودی احساس نمی‌کردند. نگذاشته بود حسرت نداشتن چیزی بر قلب و روح همسرش سایه بیندازد. پس مفهوم این کارها چه بود. حالا که خوب فکر می‌کرد، می‌دید اگر اوایل ازدواج به جای مطرح کردن آن چند مورد حواسش را جمع کرده بود و با دقت و احتیاط بیشتر رفتار می‌کرد، حالا با این فاجعه روبه‌رو نمی‌شد. روی میبل نشسته بود و در فکر فرورفته بود. باید فکری می‌کرد. می‌ترسید جایی مچ همسرش را بگیرند و ابروی چندین و چند سال زندگی‌اش برود. می‌ترسید این سرقت‌های کوچک و پنهانی بزرگ و علنی شود. یک ترس عمیق روی روحش سنگینی می‌کرد. دانه‌های درشت عرق را از پیشانی‌اش پاک کرد. انگار دیگر از دست‌ها و چشم‌های زنش واقم شده داشت. یک ترس عمیق و مبهم که نازم تو زندگی و از زندگی واقعا سیر شد برم دعا کنید.
مهران هستم ۱۹۸ ساله ممنون خداحافظ.

فصله من مامور قطارم و همشه جمله‌ها را می‌خونم. می‌خوام که دوستان هم راهنمایم کنند لطفاً.
موفق و سربلند باشی.
دنیال یک دختر نجیب و خانواده‌دار هستم ولی نمی‌تونم اون شخص پیدا کنم. یعنی می‌ترسم که اشتباه انتخاب کنم. خط فاصله من مامور قطارم و همشه جمله‌ها را می‌خونم. می‌خوام که دوستان هم راهنمایم کنند لطفاً.

خط فاصله‌های‌های عزیز سلام!
داتون

ارتباط- با خط مشاور <p>می‌توانسد برای مطرح کردن مشکلات خودتان و پاسخ گرفتن مشاوران خط قرمز پارسل پیامک به شماره ۰۲۰۰۰۷۲۳۰۱.ایمیل g.khateghermez@gmail.com یا فرستادن نامه به صندوق پستی ۱۵۷-۹۱۷۳۵. بما از بتباط برقرار کنید</p>
--



دکتر کاظم قجاوند



دکتر ایرج وثوق

گروه مشاوران امروز

پاسخ مشاور

■ دکتر ایرج وثوق

روان‌پزشک و مدرس دانشگاه

در بررسی برخی رفتارها در واقع نقش انگیزه بسیار مهم است و همین انگیزه باعث انجام برخی رفتارهای درست و غلط می‌شود و باید بر اساس انگیزه به انجام یک کار آن رفتار را مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

گاهی اوقات دیده می‌شود یا اتفاق می‌افتد فردی یک رفتار یا عملی را انجام می‌دهد که برای انجام این کار یک نقشه و طرحی از پیش تعیین شده داشته است و به نظر می‌رسد این رفتار موجب صدمه زدن و آسیب‌رسانی به دیگران و از جمله خود فرد می‌شود، حتی ممکن است خسارت‌های مالی و جانی زیادی را به همراه بیاورد. فردی که مرتکب چنین رفتاری می‌شود، قطعاً به لحاظ قانونی مسوول چنین رفتاری است و باید در مقابل قانون پاسخگو باشد.

همچنین از سوی دیگر می‌توان گفت وقتی برخی رفتارها از یک فرد سر می‌زند، نشان‌دهنده اضطراب و استرس درونی فرد است و به صورت تکانشی انجام می‌شود و برخی از این رفتارها را تحت‌عنوان اختلالات کنترل تکانه نام می‌برند و در این گروه دسته‌بندی می‌شود که یکی از این موارد نوعی وسواس بیمارگونه در برداشتن اشیاست که فرد نیازی به آن ندارد و اغلب این افراد که چنین رفتارهایی را انجام می‌دهند، هیچ نیاز مالی ندارند و فقط با برداشتن یک شیء می‌خواهند تنش درونی خود را کاهش دهند و به نوعی اضطراب خود را کم کنند، بنابراین به این رفتارها دزدی‌های بیمارگونه می‌گویند که جزو اختلالات کنترل تکانه است. از این رو فرد مبتلا به این اختلال باید با مراجعه به روان‌پزشک یا روان‌شناس بالینی ریشه‌های اضطراب را در خود درمان کند و مهارت‌های لازم را برای کنترل رفتارهای تکانشی بیاموزد. ابتلا به این کار

در واقع از بعد اجتماعی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد و این مساله طوری بازگو می‌شود که فرد از سوی دیگران مورد سرزنش قرار گرفته، در صورتی که این رفتار خیلی هم ارزشمند نیست و به دنبال این کار تبعات منفی به دنبال خواهد داشت. دیدی‌های است این افراد در چنین شرایطی با تصویر اجتماعی تخریب شده‌ای روبه‌رو می‌شوند که شخصیت‌شان در همه جوانب مورد تخریب قرار می‌گیرد که باید درمان شود، زیرا رفتاری است که ماهیت وسواسی دارد.

از سبوی دیگر نیز برخی افراد در این شرایط اقدام به سرقت یا دزدی وسایلی می‌کنند که ارزش مادی زیادی دارد و با قصد و طرح و برنامه‌ریزی این کار را می‌کنند یا فرد به آن وسیله نیازمند است، بنابراین دیگر در این اتفاق بحث دزدی‌های بیمارگونه مطرح نیست و بیشتر تحت‌عنوان یک رفتار ناپهتچار اجتماعی مطرح می‌شود که باید فرد به تمام پیامدهای قانونی آن آگاه باشد و این افراد به لحاظ روان‌شناختی، مهارت‌های حل مساله، تصمیم‌گیری و… را یاد بگیرند تا بتوانند این کار را ترک کنند.

شماره پیامک ۰۲۰۰۰۷۲۳۰۲

باشه هر کتبی که سر دوراهی قرار گرفتین اون راهی رو انتخاب کنین که مورد پسند خداوند باشه. دعاگوی همه‌تون هستم.

۴۶۵۲---۹۱۵---سلام خط فاصله. برای همه جونا دعا می‌کنم به راه راست هدایت شن و به تمام آرزوهاشون برسن آمین.

۴۳۲۰---۹۱۵---با اینکه در حوالی چشمم ندارم... اما همیشه کنج دلم دوست دارم... تقدیم به عموی مهربانم حاج بیبانی

۱۸۴۶---۹۰۱---دل من همانند اتوپوس‌های شهر شده! غصه‌ها سوار می‌شوند فشرده به روی هم و من راننده‌ام که فریاد می‌زنم؛ دیگر سوار نشویدا جان نیست... آکام سرباز راده‌ان مراغه

۵۹۴۷---۹۱۵---سلام دوستان خوبم از وقتی چشم باز کردم با بی‌مهری و بی‌توجهی بزرگ شدم ازدواج کردم امیدوار بودم خیر از همسرم ببینم ولی اونم متأسفانه به آرزوهای محالم پیوست آنخ من چند سالمه مگه؟ ۱۵ سال سن زیاد می‌باشه تحمل این همه سختی؟ عازانه ازتون می‌خوام واسه بهتر شدن رابطه‌ام با همسرم دعا کنین... ن.

۶۵۷۶---۹۱۵---سلام دوستان خوب، آفرین رضا سالار خیلی سالاری پیامت رو که خوندم حالم خیلی خوب شد شاد باشی شاد شاد. مهربام

۷۲۴۶---۹۲۸--- آقا سعید درسته من مهربونم ولی مطمئن باش پدر و مادر مهربون‌ترن و بیشتر درکت می‌کنن، چاپ کنيد لطفا خطاب به ۵۵۹۰---۰۹۳۸. هانی